

آواتار (Avatar) جنبش سبزی که سرخ می شود!

عباس رحمتی

آواتار فیلمی است تخیلی، ساخته جیمز کامرون یکی از کارگردانان معروف آمریکا پی است، که توانست در قسمت بهترین فیلمبرداری و طرح و گرافیک سه جایزه را دریافت کند. آواتار گرچه نتوانست بهترین فیلم سال را دریافت کند. شود اما این فیلم سیصد میلیون دلاری توانست دو ونیم میلیارد دلار یعنی بیشترین فروش تاریخ سینما را بدست آورد این فیلم که سه بعدی است (D3) هنوز هم پس از چند ماه نمایش در اکران سینماهای دنیا قرار دارد. لازم است توضیح دهم از آنجائیکه درسها بی در مبارزه به ما می دهد، لذا آنرا قبل از مراسم اهدای "جوایز اسکار" نوشته بودم که اینک آنرا تقدیم کاربران محترم می کنم.

آواتارها می آیند:

در یک کره تازه کشف شده بنام پادورا (Pandora) موجوداتی با شکل و شمایلی نزدیک به انسان ولی این بار با د م و شکل و شمایلی دیگر که وجه مشخصه این سرزمین است زندگی می کنند. آنها "آواتار" نامیده می شوند.

در این کره تنفس کردن برای افراد معمولی بسیار سخت است و فقط آواتارها می توانند در آنجا راحت تنفس کنند.

در این سرزمین، مردمانی پاک و بی آرایش ولی مصمم به گزران زندگی مشغولند، درست مانند انسانهای اولیه با برگ درختان خود را می پوشانند، شاید بتوان گفت، انسانهایی که در یک کمون اولیه زندگی میکنند، افرادی که با زبان آنها بهگانه اند، غریبه هایی هستند که می توانند با فراگیری زبان و آداب و رسوم به این کمون یا قبیله بپیوندند. در آنجا زندگی معنای دیگری دارد عشق و دوست داشتن با تمام لطافتش برای آواتارها معنایی خاص دارد که در طول فیلم دوبار به تماشاگران یاد آموزی می کند. اگر کسی به حریم این عشق و پاکی زندگی و حقوق مردم و کرامت انسانی بی حرمتی نکند صلح و صفا و صمیمیت تا ابد جاوانه خواهد ماند، ولی وای از آن لحظه که کسی به این پاکی ها و آرامش این سرزمین نظر بد داشته باشد. رئیس قبیله با همسر و تنها دختر شان همه در یک سطح کاملاً بدون طبقه امورات می گذارند، سر زمینی "بکر" که از تجاوزات امپراطوری ها مصون مانده به همین علت است که قوانین خاص خود را دارد کمونی بدون پیرو کمون فدرالیت و فدراسیون های کارگری و سوسیالیستی که تجربه مالکیت اشتراکی ابزارهای کار را از سر نگذرانده اند ولی **برابری** نقطه شروع کارشان است، گسترش کامل آزادی در این سرزمین کاملاً به چشم می خورد، ابزار آلات آنها کاملاً ساده ولی با کارآئی بسیار موثر!



مبارزه آغاز می شود:

آنها نه ارابه های جنگی دارند نه تانک ی و نه هواپیمایی! ولی جبر روزگار آنها را مجبور کرده به پرنده های اطراف خود روی آورند آنها پس از رام کردن پرنده های بزرگ جنگل سبز خود از آنها ملند یک هواپیما استفاده می کنند بجای تانک های جنگی هم می توانند از کرگدن های بسیار بزرگ و یا حیوانات درنده همان جنگل استفاده کنند [1] در این سر زمین انرژی های نهفته ای وجود دارد که مردم با حرکاتی مثل "یوگا" این انرژی ها به انسانهایی یک پارچه منتقل می شود و این را دو بار در مبارزات آواتارها با دشمنان به نمایش می گذارد مبارزاتی که با ابتدایی ترین وسایل شکل گرفت، مبارزه با کسانی که پیشرفته ترین تکنولوژی قرن 22 را در اختیار داشتند کارگردان آقای جیمز کامرون می خواهد نشان دهد که همه چیز امکان پذیر است حتی با دست خالی! آنها توانسته اند به این حرف ایمان داشته باشند که «می توان و باید!»

گروه های تحقیقی که سرزمین "پاندورا" (pandora) را یافتند به تحقیق در باره آواتارهای سبز پرداختند که آنها چه موجوداتی هستند با این انگیزه بالا لذا با دراز کردن یکی از آواتارها در آکواریوم بزرگی به تحقیقات خود ادامه می دهند آنها شاید بتوانند از نظر جسمی و فیزیولوژی مثل گردش خون و... به نتایجی دست یابند ولی دست یافتن به انگیزه های بالای آنها کاری است تقریباً بیهوده! آنها به این نتیجه رسیدند که نفات ی را به سرزمین "پاندورا" بفرستند تا از آنجا بیشتر اطلاعات کسب کنند ولی در این سرزمین سبز شاید انسانهای ش هم از پاکی طبیعت بی بهره نمانده اند هر کس که به آنجا می رود مجذوب این طبیعت بکر می شود و در همانجا به گروه آواتارها می پیوندد. سرزمینی که تنفس در آن مشکل است ولی "آواتارها" زندگی را در آنجا امکان پذیر کرده اند. باید گفت آنها دارای وسایلی برای دفاع از خود هستند که تماماً از چوب های تیز و کج به شکل تیر، کمان های بزرگی که همچون "آر پی جی" دشمن را از پای در میاورد و مجهزترین وسایل را از کار می اندازد (Querschnittsgelähmte) کارگردان فیلم، "سرباز"، چک سولی (Marin Jake Sully) را با دستگاههای پیچیده به این سرزمین می فرستد تا به تحقیقات خود ادامه دهد ولی او در واقع جذب پاکی های این سرزمین می شود. آواتارها بیشترین استفاده را از جانوران اطراف محیط خود در رابطه با مبارزات می برند آنها در مقابل آن همه تکنولوژی های جنگی و پیشرفته می توانند براحتی مبارزه کنند و آنها را بور کنند! البته فرماندهی این گروه را نباید نادیده گرفت **در واقع او ست که سازماندهی و آموزش ها را به افراد انتقال می دهد درست مانند یک تشکیلات عمل می کنند در غالب یک زندگی ساده برای رسیدن به اهداف آواتارها.**

وقتی حمله به آواتارها شروع می شود در یک مرحله ضربات زیادی می خورند ولی با یک تمرین "یوگا" که همان تمرین اتحاد و ذخیره کردن انرژی به موقع و خنثا کردن حرکات دشمن است و بعد حمله را شروع می کنند در واقع "آواتارها" اهل جنگ نیستند و این را در طول زندگی چند بار به اثبات رسانده اند درست است که در این فیلم می خواهد تکنولوژی پیشرفته تر کشورهای بزرگ را در آینده به نمایش بگذارد ولی در یک مرحله انگیزه های انسان را بالاتر به تصویر



می کشاند و این چرا را باید نویسنده سناریوی فیلم جواب دهد. به نظر نگارنده آمریکایی ها می خواهند بگویند ما در آینده نه بسیار دور تمام اختیارات کرات دیگر را هم در اختیار خواهیم گرفت و این را با کامپیوتر های فوق العاده پیشرفته چندین بار به رخ تماشگر می کشد . برگردیم به اصل ماجرا
 حال اگر بخواهیم مقایسه ای گذرا به وضعیت کنونی در ایران خودمان داشته باشیم، باید پرسید آیا می توانیم به مانند آواتار های سرزمین " پاندورا " اشغالگران ی که تمام وسایل سرکوب دارا هستند و 31 سال از خون ملت تغذیه کرده اند و باز نفت و گاز را می فروشند و اسلحه خریده و باز به ملت حمله می کنند چنان که آنها جنگیدند با این اشغالگران به مبارزه ادامه داد و یا باید فقط در انتظار موقعیت های دولتی ماند؟
 آیا می توان به تماشای حکومت کودتا گران نشست ؟ و بجا ی چاره ای اندیشد ؟ آیا باید از همان وسایل اولیه دور و بر مان که می توان دست ساز کرد و اشغالگران را به زانو در آورد استفاده کرد و باز ضربات را تحمل کرد و یا باید مجددا منتظر دستگیری های آینده بود ؟

گاهی اوقات یک فکر یا تخیل می تواند در دنیای حقیقی واقعی پیداکند ، فراموش نکنیم خیلی وقت ها اکتشافات و حتا راه حل های سیاسی و اجتماعی ابتدا شاید به صورت تخیل در ذهن شکل می گیرد و بعد به مرحله تحقیق و تفحص در می آید.
 از کسانی که هیچ نداشتند جز انگیزه بالا و اتحادی که آنها را به همدیگر بیشتر پیوند می داد (همبستگی) باید از این فیلم یک درس بزرگ گرفت و آن اینکه می توان دشمن را با هر گونه تجهیزات ی از کشور بیرون کرد و این اصل اول مبارزه با اشغالگران است ، همانطور که رژیم شاه هم قوی ترین ارتش منطقه را داشت .
 اما حالا ، در یک طرف رژیم می با همه چیز برای سرکوب وارد شده ، باتوم آهنی ، باتوم الکتریکی ، دستگاههای شوک دهنده دستی ، گازهای اشک آور سلاحهای جور و جور در طرف دیگر جوانان و مردم ما با دست خالی که پیش از سی سال ، دو باره شاهد رنج و شکنج شدیدتر در سراسر کشورند آنها نمی خواهند مانند پدران و مادران انقلاب کرده های شان باشند آنها شاید فکر می کنند که می توان فقط با مبارزات منفی در مقابل فاشیست ها مقاومت کرد آنها طور دیگری فکر می کنند ولی در روز 6دی قسمتی از سبز ها سبز ناماندند و سرخی خود را مانند آواتارها نشان دادند آواتار ه ا در ابتدا چنین فکر می کردند ولی وقتی مرگ سرزمین خود و درختان و موجودات زنده اطراف خود را در پیش روی حس می کردند، تحمل مصیبت های بعدی اش را جایز ندیدند و کمر همت بستند و راه مبارزه را ادامه دادند و از آن انسان های سبز و لطیف ، جنگجویان ی ساخته و سرز هایی سرخ شد تا سرزمین خود را از اشغالگران مصون دارند بدین صورت بود که پایان کار را به اشغالگران نشان دادند و آن جز پیروزی " آواتار " چیز دیگری نبود. [2]



برای از کار انداختن تکنولوژی سرکوب راه حل لازم را باید پیدا کرد ، همانطوری که آفریقایی ها باتیر و کمان همچون آواتار ها توانستند رژیم آپارتاید را از پا در آورند مسلما مردم ایران هم می توانند در مقابل مدرنیسم سرکوب رژیم راه حل های مناسب را در ایران اشغال شده پیدا کنند. در آوارتا چند نکته به چشم می خورد که ما باید در این مقطع از آنها درس های لازم را فرا گیریم :

- 1 - آنها مصمم بودند که می توان و باید در مقابل دشمن اشغالگر ایستادگی کرد و تجهیزات آنها را از کار انداخت .
- 2 - با ابتکارات و امکانات اطراف خود توانستند کاری کارستان بکنند آنها ، حتا از حیوانات اطراف خود استفاده کردند که کار مبارزه را آسانتر کردند در همین زمان هم می توان چنین کارهایی انجام داد در جایی که کار پیش نمی رود می توان از سگ ها و موجودات دیگری استفاده ها کرد و به جان پاسداران و سرکوب گران انداخت و یا مجلس رژیم را پر از حیوانات جورواجور کنیم .
- 3 - در آموزشها یی مثل " یوگا " اتحاد خود را قوی تر کردند . ما هم می توانیم در ورزشهای دسته جمعی شرکت کنیم ، کوهنوردی و به دشت و صحرا رفتن و اتحاد و انرژی گرفتن از کارهایی است که می تواند به مبارزه و انگیزاسیون های مان کمک کند .
- 4 - آواتار ها توانستند ماشین سرکوب و ویران کننده را از کار بیندازند و اگر فقط تماشگر صحنه ها بودند ناپود می شدند اگر تجهیزات سرکوب را از رژیم فاشیستی مذهبی بگیریم آنها جز تسلیم ندارند و این را در آینده ای نزدیک خواهیم دید ، مردمی که با « شعار ، یا مرگ یا آزادی » پا به میدان گذارده اند و این اصل را در طول 9 ماه ثابت کرده اند ، مسلما به جهانیان نشان خواهند داد که شایسته رژیمی دمکراتیک هستند و نه یک رژیم مذهبی فاشیستی .

کولی به حرمت بودن باید ترانه بخوانیم
 شاید پیام حضوری تا گوش ها برسانیم

کولی برای نمردن باید هلاک و خموشی [3]

یعنی نمی توان خاموش ماند و برای زنده بودن باید مبارزه کردو اگر بناست که بمیریم ایستاده بمیریم ، برای اینکه زنده بمانیم ، باید با خاموشی مبارزه کنیم .

[1]http://www.amazon.de/Avatar-Aufbruch-nach-Pandora/dp/B00332G54M/ref=sr_1_1/278-6450062-2436762

[2] در این فیلم معلوم نیست که ، آقای " جیمز کلمرون " می خواهد نشان دهد که در قرن 22 تمامی تکنولوژی جامعه سرمایه داری به بن بست خواهد رسید و به زمین خواهد خورد یا آنکه می خواهد کشف کرات دیگر را به رخ دنیا بکشد ؟ ولی قدر مسلم در این است که یک جنبش‌هایی در راه است که قابل پیش بینی نیست ، و ماهیت آن را کسی نمی داند . آیا ماهیت آن باز سوسیالیستی است ؟ و یا ترکیبی از سوسیالیستی و سرمایه داری است یا هیچ کدام شاید هم با جنگ هایی که امپراطوری ها در گذشته و امپریالیسم ها در گذشته و حال براه انداخته اند با شکست سختی روبرو خواهند شد این ها هم به مبارزات مردم بستگی دارد [3] شعر از سیمین بهبهانی است